



چهار دلیل پیروزی ایران در مقابل ایالات متحده چیست؟

# ترامپ در حال باختن جنگ است

## تحلیل


**راوی اگراوال**

سردبیر فارن پالیسی

آیا ایالات متحده در جنگ با ایران موفق می‌شود؟ بستگی دارد از چه کسی بپرسید. در یک نظرسنجی که هفته گذشته توسط مؤسسه تحقیقاتی پیو منتشر شد ، ۶۱ درصد از آمریکایی‌ها از نحوه مدیریت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در این درگیری ناراضی بودند. این اعداد نشان‌دهنده شکاف در افکار عمومی است که عمدتاً مبتنی بر تمایلات حزبی است.

راه دیگر برای بررسی موفقیت‌حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران می‌تواند میزان خسارات باشد. بر اساس این معیار و پس از یک ماه درگیری، ایالات متحده و اسرائیل هزینه‌های بسیار بیشتری را متحمل شده‌اند. از سوی دیگر، تیرا اصلی این است که ایران تاکنون در بستن مسیرهای کلیدی سفرو تجارت بدون تحمیل خسارات پایدار به شدت موفق بوده‌است.

پس چرا احساس می‌شود که ایالات متحده در نبرد پیروز می‌شود اما جنگ رامی باز؟ پاسخ در اینجا ممکن است به انتظارات مربوط باشد. در این جبهه، صرف بقای ایران و توانایی آن در آسیب رساندن به اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با دست‌به‌تری در حال ظهور است. بقا و ایجاد اختلال همیشه اهداف استراتژیک تهران در صورت وقوع جنگ بوده‌است. ناامیدی آشکار ترامپ نشان می‌دهد که از عملیات سریعی که آرزویش را داشته، محروم شده‌است.

اولین دلیلی که می‌توان ایالات متحده را بازنده دانست، اهداف حداکثری آن در آغاز جنگ است. در رویدوثی که در تاریخ ۲۸ فوریه در تروث سوشال منتشر شد، به نظر می‌رسید ترامپ به تغییر حکومت و همچنین پایان دادن به توانایی ایران

در ساخت موشک، اطمینان از اینکه گروه‌های نیابتی آن دیگر نمی‌توانند منطقه را بی‌ثبات کنند و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای امیدوار است. تاکنون هیچ‌یک از این اهداف محقق نشده‌است.

همانطور که چندین تحلیلگر در فارن پالیسی در آغاز جنگ اظهار داشتند، ایران با دقت جایزین‌هایی را برای نقش‌های کلیدی سیاسی و نظامی انتخاب کرده بود. این کشور همچنان به شلیک موشک به سمت اسرائیل و متحدان آمریکا در منطقه ادامه می‌دهد. تهران پیش از این نیز توانایی خود را برای بازسازی برنامه موشکی خود در عرض چند ماه نشان داده‌است، همانطور که پس از حملات آمریکا و اسرائیل در ژوئن گذشته این کار را انجام داد. حزب‌الله زنده مانده‌است و به عنوان مدرکی مبنی بر اینکه ایران برنامه‌ای چند لایه برای طولانی کردن درگیری دارد، یمن به تازگی وارد جنگ شده و در آخرهفته به اسرائیل موشک شلیک کرد. در نهایت، حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالا هنوز در جایی در ایران وجود دارد.

دلیل دوم برای اینکه این جنگ را شکست آمریکا بدانیم، هزینه‌های اقتصادی هنگفتی است که ایران تاکنون بر جهان تحمیل کرده‌است. قیمت سوخت جت امسال ۱۲۰ درصد افزایش یافته‌است. نفت خام برنت، معیار کلیدی قیمت جهانی نفت، در همین مدت بیش از ۸۷ درصد افزایش یافته‌است. بخش عمده‌ای از این افزایش به این دلیل است که ایران تنگه هرمز را که معمولاً یک پنجم نفت خام جهان هر روز از آن عبور می‌کند، تا حد زیادی مسدود کرده‌است. ۲۰ درصد از کل گاز طبیعی مایع (LNG) نیز همینطور است. اختلال در عرضه LNG، همراه با آسیب به یک میدان گازی بزرگ قطر در اثر حمله موشکی ایران، باعث شده‌است که قیمت گاز طبیعی در اروپا در این ماه بیش از ۷۰ درصد افزایش یابد. تنگه هرمز همچنین به عنوان مجرای برای یک سوم از منابع هلیوم جهانی-یک جزء کلیدی نیاز دارد و با شرمساری شدیدی

در تولید نیمه‌رساناها- و یک سوم از فروش جهانی کود عمل می‌کند. هر چه محاصره طولانی‌تر شود، احتمال بیشتری وجود دارد که جهان علاوه رهبر سیستمی که قوانین آن را به طور فعال نادیده می‌گیرد، ضعیف‌تر می‌شود.

چهارم، این جنگ نتیجه غیرمنتظره‌ای جز ژرئومنند شدن دشمنان ایالات متحده ندارد. وزارت بیرون می‌کشد، این واقعیت است و واشنگتن برخلاف ماجراجویی ناموفقش در عراق در زمان ریاست جمهوری جورج دلبیو بوش، این کشور نه به دنبال تأیید داخلی بود و نه تأیید بین‌المللی. این بار، هیچ شغاری در مورد ترویج مومکراسی یا نظم مبتنی بر قانون وجود نداشت. تنها متحد واقعی ایالات متحده در این جنگ، اسرائیل است که خود در سطح جهانی منزوی‌تر شده‌است. ترامپ با درخواست که رهبران توسط ایالات متحده در مورد ترویج یک شبه سرتقت شد، اشتباه قضاوت کرده‌است.

**منبع:** Foreign Policy



رویه‌رو شد. روابط فرآلاتیک از این جنگ ضعیف‌تر می‌شود. همچنین، توانایی واشنگتن برای به تصویر کشیدن خود به عنوان رهبر سیستمی که قوانین آن را به طور فعال نادیده می‌گیرد، ضعیف‌تر می‌شود.

چهارم، این جنگ نتیجه غیرمنتظره‌ای جز ژرئومنند شدن دشمنان ایالات متحده ندارد. وزارت بیرون می‌کشد، این واقعیت است و واشنگتن برخلاف ماجراجویی ناموفقش در عراق در زمان ریاست جمهوری جورج دلبیو بوش، این کشور نه به دنبال تأیید داخلی بود و نه تأیید بین‌المللی. این بار، هیچ شغاری در مورد ترویج مومکراسی یا نظم مبتنی بر قانون وجود نداشت. تنها متحد واقعی ایالات متحده در این جنگ، اسرائیل است که خود در سطح جهانی منزوی‌تر شده‌است. ترامپ با درخواست که رهبران توسط ایالات متحده در مورد ترویج یک شبه سرتقت شد، اشتباه قضاوت کرده‌است.

**منبع:** Foreign Policy

نتایج جنگ با ایران می‌تواند شبیه شکست حقارت بار انگلستان و فرانسه در حمله به مصر باشد

# آمریکا در «لحظه سوئز»

کانال سوئز، یک مسیر کشتیرانی حیاتی جهانی و خارج کردن آن از کنترل مصر بود. رهبران بریتانیا و فرانسه چیزی کمتر از سنزگونی جمال عبدالناصر رئیس‌جمهوری مصر نمی‌خواستند، زیرا معتقد بودند که ایالات متحده از منطق و جسارت این آنها، موفقیت در این عملیات، برتری جهانی کشورهایشان را بازیابی می‌کرد. اما این حمله شکست خورد و کانال به مدت ۶ ماه بسته ماند. سیاست‌های بریتانیا و فرانسه به شدت قطبی شد و رهبران هر دو کشور بی‌اعتبار شدند. دویات آیزنهاور رئیس‌جمهوری ایالات متحده و جان فاستر دالس وزیر امور خارجه ایالات متحده، خشمگین بودند، به ویژه به این دلیل که عملیات سوئز توجه را از آنچه که آنها چالش اصلی جهانی می‌دانستند، منحرف کرد: اتحاد جماهیر شوروی که با هجوم به مجارستان چهار روز بعد برای مهار جنبش مجاری‌ها، به طور کامل به نمایش گذاشته شد.

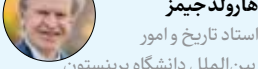
در واقع، احتمالاً قمار سوئز بریتانیا و فرانسه نیکیتا خروشچف رهبر وقت شوروی را متقاعد کرد که قمار خود را آغاز کند. پیامدهای سیاسی بحران سوئز شامل وحشت مالی بود که بریتانیایی‌ها را مجبور به درخواست کمک از صندوق بین‌المللی پول کرد، صندوقی که تا آن زمان عمدتاً خواب‌آلود بود. در نهایت، هم بریتانیا و هم فرانسه باید سیستم‌های نرخ ارز خود را باز و کنترل‌های ارزی خود را محدود می‌کردند و به سمت تبدیل‌پذیری حساب‌های جاری حرکت می‌کردند و به محدودیت‌های پرداخت‌های تجاری پایان می‌دادند. به عبارت دیگر، هر دو کشور بزرگ اروپای غربی موظف بودند تحت نظارت یک نهاد بین‌المللی تحت سلطه ایالات متحده آزادسازی اقتصادی انجام دهند.

سابقه دوم، تهاجم به اوکراین است. این حمله که به عنوان یک حمله سریع و دقیق در نظر گرفته شده بود، این عملیات ویژه نظامی را به یک کارزار فرسایشی تبدیل کرد. یکی



### دیدگاه

استاد تاریخ و امور


**هارولد جیمز**

بین الملل دانشگاه پرینستون

در سال ۱۹۵۶، رهبران بریتانیا و فرانسه عملیاتی را برای سرنگونی دولت مصر و احیای برتری جهانی کشورهای خود آغاز کردند، اما شکست تحقیرآمیزی را متحمل شدند که آنها را با یک «جنگ کوچک گونا» و پیروزمندانه «رئیس‌جمهوری ایالات متحده در حال تثبیت کشور به مسیری مشابه در ایران است؟ جنگ همیشه یک قمار است. این حتی زمانی که رهبران آن را چیز دیگری می‌نامند، مانند عملیات ویژه نظامی» (نامی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، برای حمله تمام‌عیار خود به اوکراین به کار می‌برد) یا «کشت و گذار» (اصطلاح مورد علاقه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، برای حمله به ایران) نیز صادق است. البته، قمارهای پرخطر گاهی اوقات نتیجه می‌دهند. حمله آمریکای اسرائیل به ایران ممکن است تغییری کند. با این حال، با ادامه این سفر، خطرات قمارهای شکست‌خورده گذشته شروع به خودنمایی می‌کنند و نمونه‌های ناامیدکننده‌ای را برای بحران فعلی قدرت آمریکا ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، می‌توان تا آن زمان عملیات ویژه تمام‌عیار برتری جهانی امپراطوری در حال فروپاشی در روسیه و ارتش فکر می‌کردند می‌توانند اوضاع را با یک «جنگ کوچک گونا» و پیروزمندانه «(حداقل آن را آن‌طور می‌نامیدند) تثبیت کنند. اما دو تجربه جدیدتر حتی چشمگیرتر و مرتبط‌تر هستند: تجربه بریتانیا و فرانسه در مصر در سال ۱۹۵۶ و روسیه در سال ۲۰۲۲. اولین مورد در ۱۹۵۶ اکتبر ۱۹۵۶ آغاز شد، زمانی که اسرائیل حمله‌ای را به شبه‌جزیره سینا برای شکستن محاصره تنگه سuez و خلیج عقبه توسط مصر آغاز کرد. دو روز بعد، بریتانیا و فرانسه بدون مشورت با ایالات متحده با «عملیات تفتنگدار» وارد این نبرد شدند که هدف آن تصرف

طریق ائتلاف‌هایی مانند اوپک پلاس و گسترش صادرات ال‌ان‌جی به آسیا، نشان می‌دهد که انرژی فسیلی هنوز «کالی ژئوپلتیک» است: نه صرفاً یک نهاد اقتصادی. کشورهایی که هم تولیدکننده بزرگ هستند و هم مصرف‌کننده بزرگ (مانند آمریکا) مزیت دوگانه دارند؛ اما در فرآوری مواد حیاتی و مقیاس صنعتی برتری دارد؛ اما در تراشه‌های پیشرفته وابسته به تجهیزات غربی است. خلیج فارس در انرژی قدرتمند است؛ اما در فناوری‌های پیشرفته به واردات متکی است. این وابستگی مقاطع مانع شکل‌گیری هژمونی مطلق می‌شود و اقتصاد جهانی را به شبکه‌ای از «بازارزدگی متقابل ژئواکونومیک» تبدیل می‌کند. این وابستگی مقاطع برای اقتصاد جهانی پیامدهای متعددی دارد: (۱) امنیت عرضه جایگزین‌های انرژی شده‌است. کشورها حاضرند هزینه بیشتری بپردازند تا وابستگی راهربدی خود را کاهش دهند. (۲) بلوک‌بندی فناوری شدت یافته‌است. صادرات تراشه و تجهیزات پیشرفته ابزار سیاست خارجی شده‌اند. (۳) گذار انرژی کند اما غیرقابل بازگشت است. سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها رکورد زده، اما فسیل‌ها هنوز ستون اصلی درآمد دولت‌های بزرگ صادرکننده انرژی (۴) آسیا (نانونتر) پیشگام است و با Samsung Electronics در کره جنوبی رقابت می‌کند. این تمرکز جغرافیایی باعث شده تا یونان به «گره ژئوپلتیکی» اقتصاد دیجیتال جهان تبدیل شود.

در سوی دیگر، چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی و صندوق‌های ملی نیمه‌رسانا تلاش کرده وابستگی به تجهیزات و نرم‌افزارهای غربی را کاهش دهد. هم‌زمان، صادرات فناوری‌های پیشرفته «بلوک‌بندی تکنولوژیک» است.

روپا، ژاپن و کره جنوبی نیز در حوزه‌های خاص مانند ماشین‌آلات لیتوگرافی، مواد پیشرفته و باتری‌های نسل جدید نقش کلیدی دارند، اما محور اصلی رقابت همچنان واشنگتن-پکن است.

**هم‌افزایی سه لایه: اقتصاد انرژی، بین‌الملل به‌منابه معماری قدرت**
آنجه سال ۱۴۰۴ را متمایز می‌کند؛ نه صرفاً رقابت در هریک از این حوزه‌ها، بلکه هم‌پوشانی آنهاست. کشورهایی که هم

حتی با این تلاش‌ها، برآوردهای صندوق بین‌المللی پول (IMF) نشان می‌دهد که تمرکز جغرافیایی فرآوری مواد حیاتی همچنان یک ریسک سیستمیک برای اقتصاد جهانی باقی می‌ماند. به بیان دیگر، اگرچه کارخانه‌های پیشرفته تراشه در تایوان یا کره جنوبی قرار دارند، اما بسیاری از مواد اولیه آنها همچنان از زنجیره‌های تحت نفوذ چین عبور می‌کند. این همان «قدرت بالادستی» است که ژئواکونومی معاصر را تعریف می‌کند.

#### فناوری‌های پیشرفته: دوگانگی

#### آمریکا-چین

در رأس هرم، فناوری‌های پیشرفته قرار دارند: هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی، زیست‌فناوری و نیمه‌رساناها. طبق گزارش‌های National Science Foundation (NSF) و داده‌های گردآوری‌شده توسط OECD، ایالات متحده و چین پیش از نیمی از هزینه‌های تحقیق و توسعه جهان را به خود اختصاص داده‌اند. آمریکا در مدل‌های بنیادین هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری خصوصی پیشتاز است؛ در حالی که چین در ثبت اختراعات و مقیاس‌صنعتی‌سازی سرعت بالایی دارد.

در بخش تولید تراشه، شرکت تایوانی TSMC در کره‌های پیشرفته (۳ و ۲ نانومتر) پیشگام است و با Samsung Electronics در کره جنوبی رقابت می‌کند. این تمرکز جغرافیایی باعث شده تا یونان به «گره ژئوپلتیکی» اقتصاد دیجیتال جهان تبدیل شود.

در سوی دیگر، چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی و صندوق‌های ملی نیمه‌رسانا تلاش کرده وابستگی به تجهیزات و نرم‌افزارهای غربی را کاهش دهد.

هم‌زمان، صادرات فناوری‌های پیشرفته «بلوک‌بندی تکنولوژیک» است.

روپا، ژاپن و کره جنوبی نیز در حوزه‌های خاص مانند ماشین‌آلات لیتوگرافی، مواد پیشرفته و باتری‌های نسل جدید نقش کلیدی دارند، اما محور اصلی رقابت همچنان واشنگتن-پکن است.

#### هم‌افزایی سه لایه: اقتصاد

### بین‌الملل به‌منابه معماری قدرت

آنجه سال ۱۴۰۴ را متمایز می‌کند؛ نه صرفاً رقابت در هریک از این حوزه‌ها، بلکه هم‌پوشانی آنهاست. کشورهایی که هم

## بین‌الملل

از فوری‌ترین تهدیدهای گسترده‌تر، متوجه ذخایر غذایی جهان بود، زیرا صادرات غلات و کود روسیه و اوکراین از بنادر دریای سیاه غیرممکن شد. اشتباه بریتانیا و فرانسه در مورد کانال سوئز کوتاه بود؛ هر دو کشور را تحقیر و جاه‌طلبی‌های بین‌المللی آنها را نقش برآب کرد. در هر صورت، ایالات متحده در حال مواجعه با مخصصه خود در خاورمیانه است. دقیقاً یک سال قبل از حمله اخیر به ایران، ترامپ جلسه‌ای بسیار پر سر و صدا (که برای تلویزیون طراحی شده بود) در دفتر بیضی شکل برگزار کرد که در آن او و معاون رئیس‌جمهور جی. دی. ونس، رئیس‌جمهوری اوکراین ولودیمیر زلنسکی را مورد انتقاد قرار دادند.

زلنسکی در پاسخ به آنها گفت که «در طول جنگ، همه مشکلات دارند، حتی شما. اما شما اقیانوس خوبی دارید و الان آن را حس نمی‌کنید، اما در آینده آن را حس خواهید کرد.» ترامپ سپس صدایش را بالا برد: «شما در موقعیتی نیستید که به ما دیکته کنید چه احساسی داشته باشیم. ما احساس بسیار خوب و بسیار قوی خواهیم داشت.»

یک سال چه تفاوتی ایجاد می‌کند. اقیانوس از ترامپ در برابر قیمت‌های بالاتر و افزایش ناراضی‌انگیزی از دولتش محافظت نمی‌کند. سوالات زیادی در مورد مقدمات جنگ و اینکه آیا برنامه‌ای برای بستن تنگه هرمز وجود دارد. به طور فزاینده‌ای به نظر می‌رسد که ایالات متحده ممکن است کارت‌های لازم برای تحقق عمل انجام‌شده‌ای را که ترامپ به آن امیدوار بود، نداشته باشد.

عواقب بلندمدت‌تر ممکن است مانند داستان سوئز به صورت معکوس باشد: تحقیر و به دنبال آن یک نبرد در سیاست و تعهد جدید به تفکر در مورد چگونگی بازگرداندن آزادی اقتصادی. مانند بریتانیا و فرانسه پس از سال ۱۹۵۶، ایالات متحده قادر نخواهد بود بجاری را که خود به تنهایی ایجاد کرده‌است، حل کند.

**منبع:** Project Syndicate

صادرات تجهیزات لیتوگرافی، محدودیت دسترسی به تراشه‌های پیشرفته و رقابت بر سر استانداردهای فناوری، نشانه‌های شکل‌گیری بلوک‌های تکنولوژیک هستند. با این حال، حتی در اوج رقابت، وابستگی متقابل باقی‌است: طراحی در آمریکا، ساخت در شرق آسیا، مواد اولیه در چین

و مصرف بازار جهانی. موازن نامتقارن و همکاری اجباری: در این ساختار سه لایه، هیچ کشوری بر همه سطوح مسلط نیست. آمریکا در فناوری پیشرفته و انرژی مزیت دارد؛ اما در برخی مواد معدنی وابسته است. چین در فرآوری مواد حیاتی و مقیاس صنعتی برتری دارد؛ اما در برخی فناوری‌های پیشرفته با محدودیت مواجه است. اروپا در

استانداردگذاری و فناوری‌های خاص قوی است؛ اما در انرژی و مواد حیاتی آسیب‌پذیر است. خاورمیانه در انرژی دست بالا را دارد؛ اما در فناوری پیشرفته نیازمند مشارکت خارجی است. این توزیع نامهمگون مزایا و آسیب‌پذیری‌ها، نوعی «بازارزدگی متقابل ژئواکونومیک» ایجاد کرده‌است. دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور کامل از یکدیگر جدا شوند، زیرا جداسازی کامل به حلقه هزینه‌های اقتصادی و فناوریانه سنگین

است. در همین حال، رقابت ساختاری نیز مهم‌بیند می‌آید. نتیجه، تهاجم به اوکراین است. این حمله که به عنوان یک حمله سریع و دقیق در نظر گرفته شده بود، این عملیات ویژه نظامی را به یک کارزار فرسایشی تبدیل کرد. یکی

طریق ائتلاف‌هایی مانند اوپک پلاس و گسترش صادرات ال‌ان‌جی به آسیا، نشان می‌دهد که انرژی فسیلی هنوز «کالی ژئوپلتیک» است: نه صرفاً یک نهاد اقتصادی. کشورهایی که هم تولیدکننده بزرگ هستند و هم مصرف‌کننده بزرگ (مانند آمریکا) مزیت دوگانه دارند؛ اما در فرآوری مواد حیاتی و مقیاس صنعتی برتری دارد؛ اما در تراشه‌های پیشرفته وابسته به تجهیزات غربی است. خلیج فارس در انرژی قدرتمند است؛ اما در فناوری‌های پیشرفته به واردات متکی است. این وابستگی مقاطع مانع شکل‌گیری هژمونی مطلق می‌شود و اقتصاد جهانی را به شبکه‌ای از «بازارزدگی متقابل ژئواکونومیک» تبدیل می‌کند. این وابستگی مقاطع برای اقتصاد جهانی پیامدهای متعددی دارد: (۱) امنیت عرضه جایگزین‌های انرژی شده‌است. کشورها حاضرند هزینه بیشتری بپردازند تا وابستگی راهربدی خود را کاهش دهند. (۲) بلوک‌بندی فناوری شدت یافته‌است. صادرات تراشه و تجهیزات پیشرفته ابزار سیاست خارجی شده‌اند. (۳) گذار انرژی کند اما غیرقابل بازگشت است. سرمایه‌گذاری در تجدیدپذیرها رکورد زده، اما فسیل‌ها هنوز ستون اصلی درآمد دولت‌های بزرگ صادرکننده انرژی (۴) آسیا (نانونتر) پیشگام است و با Samsung Electronics در کره جنوبی رقابت می‌کند. این تمرکز جغرافیایی باعث شده تا یونان به «گره ژئوپلتیکی» اقتصاد دیجیتال جهان تبدیل شود؛ اما محور اصلی رقابت همچنان واشنگتن-پکن است.

در سوی دیگر، چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی و صندوق‌های ملی نیمه‌رسانا تلاش کرده وابستگی به تجهیزات و نرم‌افزارهای غربی را کاهش دهد. هم‌زمان، صادرات فناوری‌های پیشرفته «بلوک‌بندی تکنولوژیک» است.

#### بازگشت قدرت انرژی

برخلاف انتظارات اوایل دهه ۲۰۲۰، سال